

قطعه نامه درباره شرایط مشخص کنونی و مبارزات طبقه کارگر، خطرات پیش روی و وظائف ما

۱. مشخصه وضعیت کنونی تلاش طبقه حاکم ثبات بخشیدن به نظام سیاسی در دراز مدت است. این امر مستلزم مهار تنش های داخلی و خارجی از یکسو و حل پیچیدگی هائی است که از تناقضات و عملکرد خود رژیم و مجموعه تضادهای جامعه حاصل میشود.
۲. در عرصه داخلی استراتژی رژیم همواره مهار جنبش های اعتراضی بوده است که از سال ۵۷ تاکنون برغم افت و خیزها بصورت پراکنده با مطالبات تعیین نیافته و اغلب تدافعی جریان داشته است نظیر مبارزات کارگران، زنان، دانشجویان و خلق های تحت ستم و استثمار که سال ها رژیم در تلاش بود از طریق سرکوب و فریب، کشتار و اجازه ندادن به تشکل مستقل از یکسو و ایجاد تشکل ها و نهاد های دولتی و شبه دولتی نظیر شوراهای اسلامی کارخانه ها و سازماندهی مجامع مختلف دانشجویی، زنان، محیط زیست و انواع نهادهای سیاسی وانجمن ها و تشکل دادن به گفتمان های مختلف نظیر اصلاح طلبی، مردم سالاری و غیره این مبارزات را با گفتمان های عاریتی زیر سیطره کنترل خود در بیاورد خطرات آنها را از سر دور کند.
۳. به موازات تشدید بحران اقتصادی و تبعات اقتصادی واجتماعی ناشی از پیاده سازی پروژه نئولیبرالیسم در کنار تنش خارجی و تحریم های اقتصادی امپریالیسم آمریکا بمنظور مهار توسعه طلبی رژیم در منطقه، از یک طرف فشار اقتصادی به طبقه کارگر و توده های زحمتکش مردم افزایش یافت و از طرف دیگر فساد، رانت خواری و وابستگی به حاکمیت شکافی عظیم میان کارگران و زحمتکشان و طبقه حاکم را عمیق تر و گسترده تر کرد بطوری که دیگر پروژه هائی نظیر اصلاح طلبی و پوپولیسم احمدی نژادی، مردم سالاری و نظائر آنها در میان جناح های مختلف طبقه حاکم قابلیت اقناع و بسیج را از دست دادند.
۴. روند انباشت بی رحمانه سرمایه همراه با سرکوب ابتدائی ترین آزادیهای سیاسی، طبقه کارگر و توده های محروم هرچه بیشتری را به میدان مبارزه کشاند. به همان اندازه که معیشت مردم مورد حمله قرار گرفت و سرکوب ادامه یافت رگه های ضد سرمایه داری در اعتراضات عمومی بر علیه دستگاه دولت و طبقه حاکم نیز افزایش یافت و خیزش های عظیم ۹۶ و ۹۸ و هزاران اعتصاب کارگری تبلور بارزی از تشدید تضاد بین نیروی کار و زحمت با اقلیتی از صاحبان قدرت و ثروت بود که نشان داد اکثریت جامعه گام در مسیر سرنوشتی انقلابی رژیم گذاشته است.
۵. طبقه کارگر پلحاز سطح گسترده ای از اعتصابات و اعتراضات و طرح مطالبات اقتصادی و سیاسی و پیوندیابی آن با اعتراضات دیگر اقشار اجتماعی در شرایطی بتدریج در حال تبدیل شده به نیروی هژمون اعتراضات اجتماعی بر علیه وضعیت موجود است که هنوز فاقد تشکل حزبی و توده ای مورد لزوم و اتحادی گسترده و سراسری برای هدایت این مبارزات است و چپ انقلابی و کمونیست جایگاه قابل اتکاء جهت تاثیر گذاری در چالش های طبقه کارگر و دولت و سرمایه ارا ن ندارند. اما با این وجود با توجه به بحران های متعدد اقتصادی و سیاسی که مدام در حال باز تولید است جنبش کارگری رو به گسترش و اعتلاء خواهد بود.
۶. طبقه حاکم و قدرت سیاسی آن در شرایط کنونی تنها با نظامی امنیتی کردن صحنه سیاسی کشور قادر به مهار اعتصابات کارگری و اعتراضات توده ای نبوده و نیست. بعد از سرکوب های بی رحمانه اعتراضات گسترده سراسری ۹۶ و ۹۸ و دستگیر و ضرب و ستم رهبران و فعالین جنبش کارگری و سایر جنبش های اعتراضی تنها در سال گذشته ما شاهد نزدیک به دوهزار اعتصاب کارگری و هزاران مورد اعتراض توده ای بودیم همه این اعتراضات مهر و نشان آزادی خواهی و برابری طلبی و ضد سرمایه داری را بر پیشانی خود داشتند و هر چه مخالفت بانظام حاکم گسترده تر میشود بناچار مضامین ضد سرمایه داری در مطالبات و خواسته های جنبش های اجتماعی افزونتر می شود و گفتمان چپ و سوسیالیستی در بین کارگران و جوانان دانشجویان مقبولیت مییابد.
۷. درست به همین دلیل است که همزمان با تلاش رژیم برای انسجام ساختار سیاسی و انطباق آن با سیاست ها و منافع طبقه حاکم، علاوه بر تیغ سرکوب شیوه مهار نرم همچون بال مکمل سرکوب در دستور روز قرار گرفته است منتهای مراتب در شرایطی که گفتمان اصلاح طلبی افول یافته است این گفتمان "عدالت خواه" و شبه چپ وابسته به حاکمیت است که این بار میداندار ادغام شعارها و مطالبات چپ در درون خود شده است. ظهور "چپ عدالت خواه محروم مقاومت" با حمایت مادی و معنوی دولت، نمونه بارزی است که حاکمیت تلاش می کند از یکسو مبارزات توده های طبقه کارگر و زحمتکشان را با پیامدهای سیاسی منتج از تحولات اقتصادی و تبعات نئولیبرالیسم منحرف کند و این اعتراضات را بنام خود ثبت کند از طرف دیگر با اقدامات عملی و

نظری گسترده ای با گفتمان روبه رشد چپ و سوسیالیسم در میان کارگران و زحمتکشان و جوانان و دانشجویان به مقابله برخیزد و در روند این مبارزات از تلاش جنبش کارگری برای انسجام دادن بخود و ایجاد تشکل های مستقل و نیز تحزب کمونیستی ممانعت بعمل بیاورد.

در شرایط کنونی در دستور بودن این سیاست ضد کارگری طبقه حاکم یکی از بزرگترین خطرات و چالش های پیش روی طبقه کارگر در روند آتی مبارزه خواهد بود. در این رابطه وظائفی مهم بردوش کارگران پیشرو و کمونیست ها ، از جمله سازمان ما قرار میگیرد که با تجزیه و تحلیل علمی و تاریخی تحولات درون جامعه و سطح مبارزه طبقه کارگر با پیامدها و تبعات چنین رویکردی در عرصه های نظری و عملی به مقابله و مبارزه پردازند.

بنابر این کنگره هفتم سازمان مقرر می دارد

۱. سازمان اتحاد فدائیان کمونیست با تکیه بر ادبیات، مصوبات، سیاست و استراتژی خود در جنبش کارگری موظف است در درون کارگران مراکز تولیدی و زحمتکشان محلات و نیز مطبوعات سازمانی از موضع استقلال طبقاتی کارگران، مبارزه همه جانبه ای را با این رویکرد رژیم در دستور بگذارد. علاوه بر آن با انحرافات رفرمیستی، آنارشویستی، آنارکوسندیکالیستی، ذهنی گرائی، فرد محوری و کیش شخصیت در درون مبارزات کارگران و تجمیع این مبارزات بر علیه پروژه "چپ محور مقاومت و عدالت خواهی" که تلاش می کند با تفسیری عاریه ای مبارزه علیه سرمایه داری را به مبارزه علیه سیاست این و یا آن دولت مستقر در شکل پیاده کردن نئولیبرالیسم کاهش دهد و از این طریق چپ انقلابی و کمونیست ها را خلع سلاح و جنبش کارگری را با افتراق و استهاله روبرو گرداند و امکان پیوند اعتصابات کارگری و اعتراضات توده ای با گفتمان چپ انقلابی و پیوستن آنها بویژه جوانان به جزئیات کمونیست و انقلابی را محدود و مسدود سازد، به مقابله جدی برخیزد. اما این مبارزه و مقابله هدفمند بدون ابزارهای سازمانی لازم نتیجه مطلوب را بیار نمی آورد.
۲. طبقه کارگر بدون پیشگام انقلابی و تشکل و تحزب قادر به مقابله موثر با چالش های پیش روی و توان پیش روی و برانداختن نظام مستقر حاکم نیست و این حقیقت در تجربه سال های اخیر بکرات ثابت شده است. اما برغم سیاست سرکوب و دستگیری و کشتار گسترش اعتصابات و اعتراضات کارگری و انباشت تجربیات نظری و عملی زمینه های لازم را برای فعالیت انقلابی و سازمان گرانه بیش از پیش فراهم می نماید.
۳. اعضای سازمان باید تلاش کنند تا با سازماندهی هسته های سرخ درون مهمترین مراکز تولیدی بمثابه سنگ بنای تشکیلات حزبی درون کارگران، اقدام کنند. این هسته ها باید کاملاً مخفی و از اعضا و سمپات های سازمان تشکیل شوند. مکانیزم ها و کارکرد آن در جزوات مربوطه شرح داده شده است.
۴. در اتحاد عمل با سایر کارگران پیشرو و کمونیست و رهبران عملی و مورد اعتماد، اقدام به تشکیل کمیته های مخفی کارخانه و محل کار در هر واحد تولیدی که کارگران در آن مشغول بکار هستند، بکنند. وظائف تبلیغی و ترویجی و عملی این کمیته ها و چگونگی تلفیق کار عملی و مخفی در جزوات مربوطه شرح داده شده اند.
۵. سازماندهی کمیته محلات در اتحاد عمل با عناصر پیشرو و تلاش جهت ارتقاء سطح آگاهی و مطالبات بیکاران، و توده های مردم زحمتکش و شرکت در مبارزات آنها جهت تحقق خواست ها و مطالباتشان.
۶. حمایت و شرکت در تشکل ها مستقلی که در این و یا آن مرکز کارگری و توده ای بنابر شرایط مشخص ولو کوتاه مدت ایجاد میگردد بمنظور تأثیر گذاری در آنها و شرکت و حمایت از مبارزات و مطالباتی که به بهبود شرایط زندگی کارگران می انجامد. همچنین تلاش برای پیوند یابی و هماهنگی اعتراضات، اعتصابات و مبارزات کارگران بخش های مختلف و دیگر زحمتکشان در مبارزات جاری در سرتاسر کشور.
۷. شکست دادن نقشه های مرتجعین و افشای ورشکستگی شعارهای برنامه ای و اقدامات تاکتیکی احزاب بورژوائی اپوزیسیون و جناح بندی های درون رژیم و توطئه های عوامل حاکمیت و سرمایه داران در به انحراف کشاندن مبارزات جاری و توضیح این واقعیت به توده های کارگر و زحمتکش که هرگونه امیدواری به مسالمت آمیز بودن نتیجه مبارزه قدرت بین اکثریت عظیم کار و زحمت با قدرت سرکوبگر حاکم و بدست آوردن حق تعیین سرنوشت خود امیدی است واهی و بی نتیجه.